



## Research Article

# Ayatollah Safi Golpayegani's Perspective on the Doctrine of Intizar Faraj

Mohammad Taghi Shaker<sup>1</sup>

Received: 20/08/2023

Accepted: 08/10/2023

### Abstract

The waiting for (reappearance of Imam Mahdi) is a revelatory doctrine with a narrative origin. The issue of the waiting is an inseparable part of the issue of Mahdiyyism and one of the main keywords for understanding the religion and the fundamental, general, and social movement towards the lofty goals of Shia. Intizar Faraj (The waiting for reappearance of Imam Mahdi), like a polygonal prism with many angles, is considered the most important factor of mobility and dynamism and hope for a bright future of the world. It can also be the healer of individual and social pains of humans today. However, the important issue is the perspectives about the waiting. What is the purpose of the waiting in the epistemological system of the Imamiyah, is the main topic of the present article, which is tried to be analyzed with the analytical method. The waiting as the basis of stagnation, backwardness and escaping from responsibility and submission to extravagance and oppression or the scholarly waiting, associated with hope, belief in God and monotheism, seeking justice, fighting against corruption and oppression, sacrifice, effort and struggle. From Ayatollah Safi's point of view, the concept of waiting for the dynamic intizar faraj is manifested in two views, which in its special meaning is completely related to the theme of reappearance.

### Keywords

Intizar Faraj, Hope, Ayatollah Safi, Resistance, Dynamism.

---

1. Graduate from Islamic Seminary of Qom and faculty member of Imam Sadegh Research Institute.  
mt.shaker14@gmail.com.

---

\* Shaker, M. T. (1402 AP). Ayatollah Safi Golpayegani's Perspective on the Doctrine of Intizar Faraj  
*Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 103-130. Doi: 10.22081/JM.2023.67187.1077

---

**مقاله علمی - ترویجی**

**خوانش آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله از آموزه انتظار فرج**

محمدتقی شاکر<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹



**چکیده**

انتظار آموزه‌ای وحیانی با خاستگاه روایی است. مسئله انتظار جزء جدانشدنی مسئله مهدویت و یکی از کلیدواژه‌های اصلی فهم مذهب و حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی به سمت اهداف والای تشیع است. انتظار فرج همچون منشوری چندضلعی که دارای زاویه‌های متعددی است، مهم‌ترین عامل تحرک و پویایی و امید به آینده روشن جهان به شمار می‌رود؛ همان‌گونه که می‌تواند درمانگر دردهای فردی و اجتماعی بشر امروز باشد. اما مسئله مهم خوانش از انتظار است. اینکه هدف از طرح انتظار در دستگاه معرفتی امامیه کدام گونه از آن است، هسته اصلی نگاشته پیش رو را شکل می‌دهد که تلاش می‌شود با روش تحلیلی پاسخ آن واکاوی شود؛ انتظار زمینه‌ساز رکود، عقب‌ماندگی و فرار از مسئولیت و تسلیم در برابر زیاده‌خواهی و ستم و یا انتظار عالمانه، قرین با امید، خدااباوری و توحیدمحوری، عدالت‌خواهی، مبارزه با فساد و ظلم، ایثار، تلاش و مجاهدت. از نگاه آیت‌الله صافی رحمته‌الله مقوله انتظار فرج پویا در دو خوانش جلوه‌گر می‌شود که در معنای خاص آن با موضوع ظهور ارتباط کاملی دارد.

**کلیدواژه‌ها**

انتظار فرج، امید، آیت‌الله صافی رحمته‌الله، مقاومت، پویایی.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق رحمته‌الله.

14mt.shaker@gmail.com

\* شاکر، محمدتقی. (۱۴۰۲). خوانش آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله از آموزه انتظار فرج. دوفصلنامه علمی- ترویجی

Doi: 10.22081/JM.2023.67187.1077.

جامعه مهدوی، ۳(۷)، صص ۱۰۳-۱۳۰.

## مقدمه

آیا عدالت فراگیر، نه عدل نسبی و فردی و شخصی، بر جهان حاکم خواهد شد؟ یعنی آیا در این جهان روزی برای بشر خواهد آمد که از این ظلم‌ها، ستم‌ها، تبعیض‌ها، جنگ‌ها، نفرت‌ها، کینه‌ها، خون‌ریزی‌ها و استثماریها و لوازم اینها یعنی دروغ‌ها، نفاق‌ها، نیرنگ‌ها و در نهایت از همه مفاسدی که در میان بشر وجود دارد اثری نباشد؟ در این زمینه دو دیدگاه کلان مطرح است:

دیدگاه نخست به آینده جهان خوش‌بین نیست و آن را تاریک می‌بیند. با وجود اینکه غیر مسلمانان و پیروان ادیان دیگر می‌پذیرند که دنیا بر اساس ظلم بنا نشده و عدالت را به صورت کلی انکار نمی‌کنند، اما این فکر در میان آنان وجود دارد که دنیا آن قدر پست، ظلمانی و تاریک است که هیچ‌وقت عدل کلی، صلح و انسانیت واقعی در آن برپا نخواهد شد و روزی نخواهد آمد که افراد بشر به راستی با یکدیگر انسانی زندگی کنند. حتی گروهی مانند راسل<sup>۱</sup> و اینشتاین<sup>۲</sup> خوش‌بینی خودشان را به آینده بشریت از دست داده‌اند و معتقدند بشریت با گوری که خود برای خود کنده است، چند گام بیشتر فاصله ندارد و فشار چند دکمه کافی است تا کار یک‌سره شود.

بدینی به آینده بشر تا آنجا پیش رفت که از سال ۱۹۴۷ میلادی، ایده و تصویر سرنوشت بشر<sup>۳</sup> در قالب ساعت تصویرسازی‌شده روز محشر، توسط بولتن علم و امنیت شورای دانشمندان اتمی عرضه شده و در آن برآورد احتمالی فاجعه جهانی در هر لحظه ارائه شده است. استاد مطهری در این باره می‌گوید: «انصافاً اگر تنها بخواهیم از زاویه علل و عوامل مادی و ظاهری بینیم، دلایل زیادی بر این بدینی وجود دارد. تنها ایمان به امدادهای غیبی است که جلوی این را می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸، صص ۱۵۲-۱۵۳).

دیدگاه دوم معتقد است که سیر تکاملی انسان و یا قوه و قدرت امداد غیبی، آرمان سعادت فراگیر بشر را عملی می‌کند. از نگاه استاد مطهری دیدگاه دوم از امتیازات

1. Russell

2. Einstein

3. Bulletin of the Atomic Scientists

اساسی باورهای اسلامی و به ویژه نگرش شیعی است که دورهٔ ظلم، جنگ، اختلاف، فساد اخلاق و دورهٔ سیاهی و ظلمت دوره‌ای موقت است و آیندهٔ بشریت در همین دنیا، نیکی و رخت‌برستن ظلم و آمدن عدالت و نورانیت است. وی باورمند است که این نگاه در ادیان دیگر به روشنی مذهب شیعه وجود ندارد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸، صص ۱۵۲-۱۵۳). از نظر اسلام ما باید معتقد و خوش‌بین باشیم و خود را در دورهٔ طفولیت بشر بینیم. عصر کامل صلح و صفا و تحول و دگرگونی عجیبی که یک‌باره تغییرات و دگرگونی‌های کمی تبدیل به تغییر کیفی می‌شود و بشر از حال سبعت خارج می‌شود، دوره‌ای است که در زبان دین، بعد از ظهور مهدی علیه السلام شناخته شده است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۷۳). در تبیین ارتباط پایان تاریخ با آغاز آن با نگاهی به قرآن می‌توان گفت که آیه کریمه «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ \* وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات، ۱۷۱-۱۷۳) اثبات می‌کند که در نهایت تاریخ بشریت، دورانی وجود خواهد داشت که در آن دوران، آرمان پیامبران و رسولان الهی محقق خواهد شد. کلمه، سنت، قانون و حکم بی‌تخلف الهی از پیش برای بندگان مرسل صادر شده است؛ یعنی یک قانون الهی که کلمات خدا تغییر نمی‌پذیرد و در قرآن هم آمده «لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ» (انعام، ۳۴) این است که در نهایت پیامبران پیروز خواهند شد. این سلسله‌ای که در تاریخ به نام سلسلهٔ نبوت‌ها می‌شناسیم و انگارهایی می‌پندارد که انبیای الهی در دنیا ناکام شده‌اند، پیوسته و قدم‌به‌قدم رو به تکامل بوده است و همین سلسله است که در نهایت به پیروزی کامل خواهد رسید.

آیت‌الله صافی رحمته با معرفی امام به‌عنوان جانشین الهی و مظهر تمام‌نمای عدل و قسط اسلام،<sup>۱</sup> در این زمینه معتقد است که مؤمنان به آن ظهور و وعدهٔ الهی، مشتاقانه در انتظار آن هستند و برای وقوع آن تحول بزرگ جهانی و الهی چشم به آینده دوخته و در هیچ شرایطی از بهبود اوضاع ناامید نمی‌شوند و با قاطعیت به سوی جلو گام بر می‌دارند و بر

۱. آیت‌الله صافی رحمته با استناد به جملهٔ مشهور خلیل بن احمد فراهیدی جایگاه امامت را ترسیم می‌کند. خلیل می‌گوید: «افتقار الكل الیه و استغناؤه عن الكل ینبث انه امام الكل فی الكل» (نکند: صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۲۱).

اقدام و تلاش و کوشش خود می‌افزایند (نک: صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۴).

بر همین اساس مهدویت باوری است که هسته مرکزی آن تأکید بر حقوق انسان‌ها بر محور عدالت و جایگزینی آمریت خدا به جای آمریت بشری است. یکی از مهم‌ترین مضامین نظری و عملی مهدویت که مستقیم به سرنوشت بشریت مرتبط است، طرحی دانسته شده که مهدویت برای تاریخ جهانی صورت‌بندی می‌کند و اشاره به نوعی جهان‌وطنی و عدالت جهانی برای انسان جهانی دارد. این طرح به این معناست که در کنار همه این ستم‌ها، حماقت‌ها و شرارت‌هایی که در جامعه انسانی اتفاق می‌افتد، باورمند باشیم که یک دینامیزم (قدرت و پویندگی) باشعوری در نبض تاریخ تعبیه شده است که عاقبت همه چیز را جبران می‌کند و با استقرار دولت عدل جهانی، دیگر جز شهروند جهانی نخواهیم داشت. بر این اساس خداوند انسان را فراموش نکرده و این گونه نیست که خدا، آدم و فرزندانش را از بهشت بیرون کرده باشد و بعد آنها را رها کرده و نمی‌داند آنها در دنیا چه می‌کنند. با این رستخیز عدل گستر قبل از قیامت، تبعیض‌های نژادی، قومی و ملیت‌ها پایان می‌یابد.

برخی این حرکت را جهانی شدن<sup>۱</sup> مهدوی نامیده‌اند که به نفی استبداد جهانی از نوع فردی و جمعی می‌پردازد. طراح این طرح بزرگ خداوند است و مهدی عجله الله تعالی فرجه از ابتدا جزو طرح خدا و جمله نهایی طرح خدا بود. این حرکت در مقابل جهانی‌سازی سرمایه‌داری طبقاتی است که امروزه در جهان تبلیغ و حکم فرماست. این جهانی‌شدن بر خلاف جهانی‌سازی به سبک آمریکایی و غربی است که در آن همه جهان در خدمت سرمایه‌داری صهیونیستی غرب و آمریکا قرار می‌گیرد (نک: شاکر، ۱۴۰۱، ص ۱۲۰). البته باید اذعان کرد که در میان مذاهب اسلامی، این ویژگی در شیعه نمود بیشتری یافته؛ چراکه در برخی روایات منابع اهل سنت، نگاه منفی به روزگار پیش روی بشریت و تأکید بر افزون‌شدن بدی‌ها به چشم می‌خورد؛ همانند روایت «لایأتی علیکم زمان الا الذی بعده شر منه حتی تلقوا ربکم؛ بر شما زمانی نمی‌گذرد، مگر این که بعد از آن زمان بدتری

1. globalization

خواهد آمد و این تا قیامت ادامه خواهد یافت» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۱۲) که به نقل از پیامبر ﷺ نقل شده است و نیز «امس خیر من الیوم و الیوم خیر من غد و كذلك حتی تقوم الساعة؛ دیروز بهتر از امروز است و امروز بهتر از فرداست و این فرآیند تا قیامت ادامه پیدا خواهد کرد» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳۲؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۵۴). آیت الله صافی رحمته الله علیه اهمیت این شناخت را کمک به استقامت فکر و اخلاق و اعمال انسان می‌داند (صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۵).

## ۱. مفهوم‌شناسی انتظار فرج

آیت الله صافی رحمته الله علیه با ضروری دانستن شناخت صحیح و تفسیر دقیق و واقعی واژه‌ها و اصطلاحات اسلامی و اثرگذاری آن در منظومه فکری و رفتاری اهل ایمان، این امر را مانع از برخی برداشت‌های نادرست برون‌دینی درباره دین و مقاصد آن می‌داند و موجب کارکرد شایسته هدف‌های واقعی و مقاصد حقیقی دین معرفی می‌کند. از جمله واژگان مورد تأکید ایشان، انتظار فرج است (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۱۱-۱۵)؛ چرا که برداشت بیشتر جامعه از آن سازنده و مثبت نیست. ایشان لازمه رفع هرگونه سوء تفاهم، درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع، حرکت‌های اجتماعی و سیاسی، تقویت اراده و تربیت افراد شکست‌ناپذیر را در درک مفهوم صحیح انتظار می‌دانند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۱۵-۱۶).

واژه انتظار فرج از دو کلمه انتظار و فرج تشکیل شده است که نخست به واژه پژوهشی هریک از این دو و سپس معنای ترکیبی آن پرداخته می‌شود.

### واژه‌پژوهی انتظار

ریشه واژه «انتظار» «ن - ظ - ر» است که به باب افتعال رفته و معنای غالب این باب، مطاوعه است. مطاوعه از ماده «ط - و - ع» به معنای فرمان‌برداری است. مراد از معنای مطاوعه در یک فعل عبارت از پذیرفتن اثر فعل و فاعل دیگری توسط فاعل این فعل یا قبول کردن اثر فاعل است؛ از این رو اثرپذیری و رابطه تأثیر و تأثر در باب افتعال نمود

دارد. «انتظار» به معنای چشم‌داشت و توقع، حالتی است میان منتظر و منتظر که در آن آثار و پیامدهای این حالت وجود دارد. متعلق انتظار، تفسیرکننده چستی و چگونگی این حالت است (شاکر، ۱۴۰۱ق، ص ۸).

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه انتظار را حالتی برخاسته از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان عجلت‌الله تعالی فرجه‌ه، شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فاسد و تباهی که ایجادکننده انواع دگرگونی‌ها در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان است (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۷).

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه تأکید دارند که انتظار، پیوند و ارتباط برجسته‌ای با حرکت دارد. حرکت از برآیندهای انتظار و انتظار از جهت‌دهنده‌های آن است. ایشان تصریح دارد که حرکت و انتظار در کنار هم می‌باشند و از هم جدا نمی‌شوند؛ انتظار علت حرکت و تحریک‌بخش است.

در واقع انتظار، ارزش فرهنگی است که رفتار فرهنگی معینی از آن سرچشمه می‌گیرد. بر این اساس این مفهوم فرهنگی در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش به آینده دخالت مؤثر و فعالی دارد و در ترسیم خط سیاسی منتظر در زمان حال و آینده تأثیرگذار است.

اگر انتظار به مفهومی برای سست کردن و مانعی برای حرکت تبدیل شود، انتظار منفی است و اگر عاملی برای حرکت، قیام و انگیزش در زندگی باشد، انتظار مثبت است (آصفی، ۱۳۸۹، صص ۱۸-۲۳).

### واژه‌پژوهی فرج

«فَرَج» به معنای گشایش و از بین رفتن غم و سختی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۰۹؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۸۹). انتظار فردایی بهتر و نکوتر، مطلوب فطری و خواست و نیاز مشترک تمامی انسان‌هاست. این مسئله زمان و مکان نمی‌شناسد و به هیچ گروهی اختصاص ندارد و آن را می‌توان در هر جا و در میان همه اقوام و ملل مشاهده کرد. آیت‌الله

صافی رحمته الله علیه به صراحت فرج را فتح و گشایش معرفی می‌کنند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۸۸).  
 با واژه پژوهشی انتظار و فرج می‌توان به مفهوم انتظار فرج نزدیک‌تر شد. آیت‌الله صافی رحمته الله علیه در تعریف اصطلاحی انتظار فرج آن را در مقابل انفعال قرار داده و می‌نویسد: «معنای صحیح انتظار این است که باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در جامعه دوران ظهور سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه طرد می‌شود ترک کنیم و برای قبول شدن در چنان جامعه‌ای خود را بسازیم و تلاش کنیم» (صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۵).

بر این اساس انتظار فرج مهدی علیه السلام یعنی امید و آرزوی تحقق پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایدئال و اجرای این مهم توسط شخصیتی مقدس به نام مهدی، در زبان روایات، «انتظار فرج» خوانده شده است. در این معنا، انتظار فرج به مسئله مهدویت و ظهور تعلق می‌گیرد و منتظر، چشم‌به‌راه فرارسیدن منجی موعود در آخرالزمان است.

## ۲. ابعاد انتظار فرج

با توجه به آنچه گذشت در نگاهی کلان انتظار فرج را می‌توان به دو دسته اصلی «انتظار عام» و «انتظار خاص» تقسیم کرد. انتظاری که شامل امید به گشایش در هر سختی باشد، انتظار عام خوانده می‌شود؛ بنابراین اهل سنت نیز واژه‌های انتظار فرج را در معنای عام آن به کار برده‌اند؛ چنانکه گفته شده است: «انتظار فرج یعنی چشم‌داشتن به از میان رفتن سختی» (مبارکفوری أبو العلاء، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱). انتظار عام، مبتنی بر این قاعده کلی است که خداوند در ورای هر سختی، راحتی و گشایش قطعی قرار داده است؛ «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح، ۵ و ۶). آیت‌الله صافی رحمته الله علیه همان‌گونه که اشاره شد انتظار را فراگیر و مفهومی جهان‌شمول معرفی می‌کند و می‌نویسد: «بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار به معنای گسترده آن است. به گونه‌ای که اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثر، فعل و انفعال و گذشت زمان



است از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی‌لذت و بی‌معنی است» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۸۶-۸۷).

وی پس از اشاره برون‌دینی به ارزش‌گذاری مقوله انتظار، نگاه دین اسلام به این مفهوم را این‌گونه توصیف می‌کند: «اسلام که تعلیمات و هدایت‌هایش بر اساس فلسفه‌های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را پشتوانه بقای جامعه‌ای مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام قرار داده است؛ و انتظار آینده‌بهرتر و عصر‌فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۸۱) وی آن‌گاه به روایت مشهور نبوی «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۴) اشاره می‌کند و پیامد اجتماعی این انتظار را این‌گونه توصیف می‌کند: «انتظار یکی از پایه‌های مهم و زنده مبارزه علیه فساد در جامعه اسلام بوده که آن را باید سرچشمه مقاومت‌ها و منبع تحرکات و مبارزات ایجابی و سلبی اهل حق با اهل باطل شمرد که مسلمان هیچ‌گاه کار اسلام و انقلاب آن را پایان یافته و تمام شده نخواهد دانست» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۸۶)؛ سپس ایشان در گام نهایی به نگاه تشیع به مقوله انتظار فرج می‌پردازد؛ از این رو می‌توان آیت‌الله صافی رحمته‌الله را جزو محققانی دانست که به هر دو معنای کلان انتظار فرج یعنی مطلق گشایش و ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی توجه می‌دهد؛ از این رو وی با تأکید بر فراگیری مفهوم انتظار در میان بشر در شکل‌های متفاوت، بر این اندیشه‌اند که اصل انتظار به صورت‌های گوناگون در بین ملت‌های مختلف همواره محفوظ بوده و آینده‌نگری همیشه بشر را به خود مشغول داشته و برگشتن به عقب و ایستادن در یک مرحله به هر حال محکوم بوده و خلاف سنت‌های عالم خلقت است (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۷۱).

### ۳. آموزه انتظار فرج در شیعه و اهل سنت

در تمام نقل‌ها در منابع شیعی و سنی، ترکیب «انتظار الفرج» به‌مثابه عنصری مشترک دیده می‌شود و گاه پیش و گاه پس از این ترکیب، عباراتی دال بر ستوده‌بودن و برتری «انتظار الفرج» نسبت به سایر اعمال یا عبادات وجود دارد. قدر مطلق تمام نقل‌های

مختلف روایت آن است که «انتظار فرج» امری ممدوح و مورد پسند یا ممدوح‌ترین کنش است. روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» یکی از روایاتی است که نقل‌های گوناگونی از آن در منابع مختلف روایی شیعی و سنی بازتاب یافته است. پس از بررسی‌ها منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، همه فهم‌های ارائه‌شده از این روایت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

**فهم اول:** فهمی که مقصود از این روایت را انتظار گشایش و رفع سختی در زندگی می‌داند. بر اساس این فهم، انتظار گشایش دشواری‌ها و سختی‌های زندگی از بهترین کارهاست. این فهم در میان اهل سنت رواج تام دارد. بر این اساس مقصود از انتظار در روایات اهل سنت، انتظار عام است؛ یعنی انتظاری مطلق و کلی که شامل امید به گشایش در هر گونه مشکل و سختی، اعم از دنیوی و اخروی، مادی و معنوی و فردی و اجتماعی می‌باشد.

از نگاه تفاسیر و روایات اهل سنت، تعبیر «انتظار فرج» عنوانی فراگیر است که به معنای امیدداشتن به رحمت، لطف و گشایش الهی در تمامی مشکلات و سختی‌هاست؛ از این رو انتظار فرج به معنای عام آن، تنها به معنای انتظار فرج نهایی نیست، بلکه به این معناست که در زندگی انسان مؤمن، هر بن‌بستی قابل گشوده‌شدن است و او باید در مشکلات و ناملازمات، به رحمت و فرج الهی امید داشته باشد و نباید از گشایش امور ناامید باشد.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله در این زمینه می‌نویسد: «تعلیمات و هدایت‌های اسلام بر اساس فلسفه عمیق و صحیح اجتماعی است، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را پشتوانه بقای جامعه مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام قرار داده است و انتظار آینده بهتر و گشایش را برترین اعمال شمرده و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»؛ انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی کرده است» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۸۷-۸۹). وی با شواهدی از صدر اسلام دلیل موفقیت‌های چشم‌گیر آن عصر را انتظار و ایمان به این وعده الهی معرفی می‌کند که در انتظار روزهای درخشان، آن روزهای سخت و تلخ پشت سر گذاشته شد. وی آیه ۵۴

سوره مائده را یکی از آیات امیدآفرین که مسلمانان را به انتظار آینده بهتر نوید می‌دهد معرفی می‌کند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۸۹).

**فهم دوم:** فهمی است که انتظار فرج را متعین در انتظار ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه می‌داند. بر این اساس انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه از پسندیده‌ترین کارها برای مؤمن است. این فهم را تنها در آثار روایی شیعی می‌توان دید و بر اساس آن، بارزترین و مهم‌ترین و گاه تنها مصداق عنوان انتظار فرج، انتظار گشایش در امر ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه است. در این معنا انتظار فرج به مسئله مهدویت و ظهور تعلق می‌گیرد و منتظر، چشم‌به‌راه فرارسیدن منجی موعود در آخرالزمان است؛ به بیان دیگر انتظار فرج یعنی آمادگی روحی و رفتاری برای ظهور و یاری‌رساندن به آن حضرت و دوری از عملکردی که با این آمادگی و انتظار در منافات و تضاد می‌باشد. به تعبیر برخی محققان «انتظار فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه سنتز تضاد میان واقعیت و حقیقت است؛ واقعیت آنچه هست و حقیقت آنچه نیست، ولی باید باشد» (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

این خوانش از آموزه مهدویت و انتظار تنها در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام قابل مشاهده است و چنین خوانشی را در سایر فرقه‌ها و حتی سایر مکاتب نمی‌توان یافت. شاهد این سخن آنکه در طول تاریخ تفکر اهل سنت و در حیات فردی و جمعی آنان، اثری از این آموزه مشاهده نمی‌شود و حرکت یا تحول اجتماعی ویژه‌ای که برآمده از این نگرش باشد به چشم نمی‌خورد.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد: «مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر گیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فراگیرد و آن رهبری که وعده ظهور او در قرآن و صدها احادیث معتبر وارد شده است ظاهر شود و آیین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است ظاهر کرده و گسترش دهد و امت واحد، حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد تمام افراد بشر را متحد، هم‌صدا، هم‌قدم و به هم پیوسته سازد» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۹۵).

سخن از مهدویت و انتظار فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه، سخن از حدسیات، استقراء، پیش‌گویی عادی و تفریحی، آرزوی شکست‌خورده‌ها، رؤیای بردگان و یا آرزوی کودکانه‌ای که

هدفش فقط انتقام باشد نیست، بلکه یک فلسفه بزرگ جهانی مبتنی بر موارد ذیل است:

الف. خوش بینی به زندگانی بشر و نابودنشدن دنیا و به عبارت دیگر خوش بینی به اینکه بشر دوره عمر را به پایان می‌رساند و به پیری و کمال می‌رسد.

ب. پیروزی و حکومت عقل و سقوط حکومت خشم و شهوت.

ج. اعتقاد به اینکه پیروزی نهایی از آن عدل و حق است، نه ظلم و باطل و از آن صالحان و متقیان و مستضعفان است، نه زورمندان و فاسدان.

آیاتی از قرآن نیز به صراحت پایان زندگی در دنیا را قرین توحید و سعادت می‌داند و به آینده روشن نوید می‌دهد. استاد مطهری درباره آیه ۵۵ سوره نور می‌گوید: «وعده می‌دهد به اهل ایمان و مردمی که عمل‌شان صالح و شایسته است که عاقبت دنیا به دست اینهاست؛ آن که در نهایت امر بر دنیا حکومت می‌کند، دین الهی و معنویت و لا إله الا الله است؛ مادی‌گری‌ها و ماده‌پرستی‌ها و خودخواهی‌ها از بین خواهد رفت؛ عاقبت دنیا امنیت است: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ عاقبت دنیا به تمام مراتب، خود توحید است» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۱۵۴).

#### ۴. رویکردها به آموزه انتظار فرج

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله جایگاه و ارزش انتظار را فراگیر دانسته و معتقد است بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون انتظار است و انتظار مفهوم و هدف زندگی انسان را بنیان می‌نهد (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۸۵). اما واکاوی تاریخ تشیع و خوانش‌ها از آموزه انتظار فرج، نمایان‌کننده رویکردها و در نتیجه برون‌دادهای گوناگونی از این مقوله است که این امر بر اهمیت آن گواهی می‌دهد. اکنون به شرح سه رویکرد نسبت به این آموزه می‌پردازیم.

#### ۴-۱. نظریه‌ای برآمده از واپس‌زدگی تاریخی تشیع

برخی مستشرقان و روشنفکران، اندیشه مهدویت و انتظار ظهور را بر اساس سرکوب خواسته‌های انسانی و اجتماعی تحلیل می‌کنند و آن را برآمده از واپس‌زدن خواسته‌ها،

امیال و آرزوهای درونی در طول تاریخ می‌دانند. اینان بر این انگاره‌اند که اعتقاد به مهدویت نتیجه فشارهای سیاسی بوده که بر مستضعفان جامعه اسلامی وارد می‌شده است؛ به‌عنوان نمونه فان فلوتن<sup>۱</sup> می‌گوید: «جور و ستم دولت عباسیان از هنگام به حکومت رسیدن، کمتر از دولت امویان نبوده است. این جور و ستم‌ها به حدی بود که مستضعفان و مظلومان را بر این داشت که خود را امیدوار کنند؛ لذا چاره‌ای جز این ندیدند که به عقیده مهدویت و انتظار ظهور منجی دل ببندند تا بتوانند از شدت تألمات روحی خود بکاهند» (نک: سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۱). دونالدسن<sup>۲</sup> می‌گوید: «این احتمال جدی است که اختناق و فشارهای سیاسی که در مملکت اسلامی از طرف حاکمان بنی‌امیه پدید آمده، از اسباب ظهور نظریه مهدویت در آخرالزمان بوده است» (نک: سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۱). احمد امین مصری از اندیشمندان روشنگر در حوزه تاریخ می‌گوید: «عامل اساسی در پیدایش عقیده مهدویت نزد شیعه و اصرار بر آن، فشارهای سیاسی و مصائبی بود که بعد از شهادت امام علی علیه السلام و به حکومت رسیدن معاویه با آن روبه‌رو شدند. این مصائب با بیعت با حسن بن علی علیه السلام و پس از آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و ازهم پاشیدن حرکت‌های ضد اموی و قوت گرفتن حکومت امویان شدت گرفت؛ لذا در صدد برآمدند تا تاکتیک خود را تغییر داده، از دعوت آشکار صرف نظر کرده و به دعوت سرّی برای ریشه‌کن کردن ظلم روی آورند» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۲).

محمد عبدالکریم عتوم<sup>۳</sup> می‌گوید: «واقع آن است که عقیده به مهدی علیه السلام قبل از وقوع غیبت امام پدید آمده و پرورش پیدا کرد و این به صورت دقیق بعد از واقعه کربلا و تفرق شیعه از سوی دولت اموی بوده است. این وضعیت ناهنجار برای شیعه، زمینه را برای پذیرش عقیده مهدویت فراهم ساخت تا آنان را از وضعیت موجود نجات دهد. در

1. Gerlof van Vloten

2. Donaldson

۳. از نویسندگان عرب و صاحب کتاب‌هایی از جمله: النظرية السياسية المعاصرة للشيعة و الأنموذج الإسلامي للتربية السياسية المعاصرة؛ تحلیل و مقارنته للتربية السياسية عند السنة والشيعة می‌باشد.

نتیجه مهدویت آرزویی شیعی بود که اثری منفی بر زندگی شیعیان داشت، اگرچه آنان را از وضعیت موجود نجات داد» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۲).

این تحلیل‌های بدون پشتوانه متون دینی و تاریخ، تحلیل‌های ناقصی هستند که در آنها تلاش می‌شود آموزه‌های اسلامی و شیعی بر معضلات و پیچیدگی‌های اقتضایی سایر ادیان تطبیق شود. آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه در پاسخ به نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اعتقاد به مهدویت و ظهور می‌نگارد: «از دیدگاه جهان‌بینی الحادی همه امور و حوادث را باید به علل تاریخی و مادی نسبت داد؛ اما از دیدگاه جهان‌بینی دینی آنچه اصیل و حق است منبع آن وحی و دعوت انبیا و درک فطری بشر است و تاریخ و گذشت زمان و علم بشر و علل مادی آنها را به وجود نمی‌آورد. در پیدایش اعتقاد به ظهور مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه نیز هیچ عامل اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی موثر نبوده است و منشأ آن اخبار انبیا و رهنمودهای پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد» (صافی، ۱۳۹۲، ج ۱، صص ۱۰۶-۱۰۷). وی در بررسی و شناخت یک فکر، معقول بودن و خردپسند بودن را شرط می‌داند؛ به این معنا که عقل امکان آن را بپذیرد و نتواند آن را به طور قطعی انکار کند و قبول امکان آن را غیر عقلایی بداند؛ آن‌گاه دلایل گوناگون عقلی، نقلی، فطری و تجربی عقیده به مهدویت و ظهور را به تفصیل مطرح می‌کند (صافی، ۱۳۹۳، صص ۱۷-۱۰۸؛ صافی، ۱۳۹۲، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۱۲).

#### ۲-۴. انتظار مقوله‌ای غیر اجتماعی

در این میان تفسیرهای سکولار از آموزه مهدویت و انتظار نیز جلوه گر است. برخی دگراندیشان دارای اندیشه سکولاریسم اسلامی، برای انتظار در ترسیم ارزش‌های حیات اجتماعی جایگاه قائل‌اند؛ اما مرجعیت انتظار را در تنظیم قوانین حاکم بر جامعه انکار می‌کنند. این گروه انتظار را به مثابه ارزش می‌پذیرند، ولی آن را به مثابه قانون قبول ندارند و انتظار منجی موعود را ناظر به ابعاد اجتماعی نمی‌دانند. به نظر می‌رسد این خوانش از مهدویت و انتظار یکی از تهدیدهای جدی گفتمان انتظار به شمار می‌رود (نک: شاهرخی و عباسی، ۱۳۹۹، صص ۲۸۵-۲۸۶).

آیت‌الله صافی رحمته‌الله باور به مقوله انتظار و امید را از نظر اجتماعی بسیار مهم و مفهومی انقلابی و مترقی توصیف می‌کند که پیامد آن تشویق مردم به تلاش، نهضت و فعالیت است و از سستی، ترک وظایف، تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می‌دارد (صافی، ۱۳۹۲ «د»، ص ۶۱). وی باورمند است که بشر در زندگی اجتماعی و فردی مرهون نعمت انتظار است.

#### ۳-۴. استمرار هدایت الهی و امید به اصلاح فراگیر

نگاه دیگر در این باره برگرفته از اصل هدایت و نمایان‌ساختن اراده الهی در فراهم‌ساختن زمینه هدایت بشریت است. آیت‌الله صافی رحمته‌الله نظام امامت را نظامی الهی می‌داند که انقطاع‌پذیر نیست و دوره فترت ندارد و تا دنیا باقی است، پابرجا است؛ چنانکه امیرالمومنین علیه‌السلام فرمود: «البتّه زمین از کسی که حجّت‌های خدا را برپا دارد - آشکار و سرشناس یا پیمناک و گمنام - خالی نمی‌ماند تا که حجّت‌ها و برهان‌های خداوند از بین نرود» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷؛ صافی، ۱۳۹۰، ص ۹).

هانری کربن دین‌پژوه غربی در تبیین نگاه شیعه به مسئله مهدویت و مقایسه آن با سایر مکاتب معتقد است:

مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق همیشه زنده نگه داشته است و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را پابرجا می‌داند. یهود، نبوت را که رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی در حضرت کلیم ختم کرد و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اذعان نکرد و آن را قطع کرد. مسیحیان هم در حضرت عیسی متوقف شدند و اهل سنت از مسلمانان نیز در حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توقف کردند و با ختم نبوت در ایشان، دیگر رابطه‌ای میان خالق و خلق ندیدند. تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ختم شده می‌داند؛ ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکامل است، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند. رابطه‌ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی حکایت می‌کند. با وجود دعوت‌های دینی قبل از موسی و دعوت دینی موسی و عیسی و محمد و بعد از آن حضرت با همین رابطه ولایت، جانشین وی

زنده بوده و هست و خواهد بود و این حقیقتی است زنده که هرگز با نظر علمی نمی‌توان آن را از خرافات شمرد و از لیست حقایق حذف کرد. همه ادیان ... یک حقیقت زنده را دنبال می‌کنند و همه ادیان در اثبات وجود این حقیقت زنده مشترک‌اند. تنها مذهب تشیع است که به زندگی این حقیقت، لباس دوام و استمرار پوشانده است (شاهرخی و عباسی، ۱۳۹۹، صص ۳۶-۳۷).

آیت‌الله صافی رحمته‌الله با مقایسه انتظار در اسلام با انتظار در سایر نگاه‌ها، انتظار در شرق و غرب را تسخیر جهان بر اساس برده‌داری نوین و بی‌هدفی یا هوا و هوس معرفی می‌کند؛ درحالی‌که اسلام سخن از انتظار جهانی شدن عدالت، حقیقت و آزادی و همچنین ریشه‌کن شدن نادانی، فقر و ذلت می‌گوید (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۹۷-۹۹).

## ۵. برون‌دادها از آموزه انتظار فرج

اکنون می‌توان به برون‌دادها از رویکردهای مطرح‌شده نسبت به آموزه انتظار اشاره داشت. دو برون‌داد انتقاد واپس‌گرایانه و اقدام زمینه‌ساز را می‌توان در نگاهی کلان در این مقوله واکاوی کرد.

### ۵-۱. انتقاد واپس‌گرایانه

علت به‌درازا کشیدن انتظار و محقق‌نشدن ظهور و فرج، گاه فراگیرنشدن فساد و ظلم در جهان بیان می‌شود و گاه نبود یاور و نیروی مورد نیاز برای این انقلاب بزرگ. در نگاه نخست انتظار به مترصدبودن معنا می‌شود و بر اساس آن، مقابله با ظلم و فساد و تباهی به دلیل کمک به طولانی‌شدن غیبت اقدامی نادرست است؛ پس باید منتظر بود تا با گسترش ظلم در سطوح مختلف زندگی فردی و اجتماعی و به کمال‌رسیدن آن، زمینه ظهور و فرج فراهم شود و انقلاب مهدوی در برابر ستم‌گران و در حمایت از مظلومان رخ دهد.

در هر دو صورت، این فراگیری مخالف طبع و فطرت است و منجر به انزجار فراگیر و تمایل به رهایی از این پدیده می‌شود. این امر موجب اراده و خواست اجتماع بشری



برای روی گردانی از ستم و ایجاد تغییر و زمینه‌سازی برای ظهور عدل گستر فراگیر به جای ستم گران بی‌پروا می‌شود؛ از این رو در روایات مشاهده می‌کنیم که سخن از گسترش عدالت است، همان‌گونه که ظلم گسترش یافته، نه بعد از گسترش ظلم؛ یعنی گسترش ظلم، نقطه اتکای ظهور عدالت نیست، بلکه گسترش عدالت، وابسته به احساس نیاز به عدالت و حرکت به سمت مطالبه آن است که منجر به ظهور محقق‌کننده عدالت می‌شود. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مهدی ائمت من، کسی است که هنگام پرشدن زمین از بیداد و ظلم، آن را پر از قسط و عدل خواهد کرد» (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۹۱۰).

## ۵-۲. اقدام زمینه‌ساز

در نگاه دوم سبب تأخیر، نبود یار کمی و کیفی برای قیام فراگیر و تکیه‌گاه برای انقلاب جهانی است. بر اساس این نگاه، تنها مسیر گذار از انتظار و تحقق ظهور، اقدام و تجهیز می‌باشد. در نتیجه انتظار به معنای مترصدبودن نیست؛ بلکه به معنای حرکت و اقدام برای شکل‌گیری حق در ساحت‌های مختلف آن است.

اگرچه امداد غیبی از سنت‌های الهی است و آیاتی از قرآن بر آن دلالت دارد، اما فراهم کردن تجهیزات نیز از دستورها و سنت‌های الهی است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰). مراحل نبرد در زمانه رسول خدا ﷺ هم بر اساس سنت‌های الهی در تاریخ و جامعه پیش می‌رفت؛ از این رو گاه پیروزی به دست نمی‌آمد. تدارک نقشه جنگ، استفاده از شیوه‌های گوناگون جنگی، استفاده از امکانات مالی و سلاح‌های جنگی و تقسیم‌بندی وظایف، هیچ‌کدام منافاتی با تحقق وعده نصرت الهی و امداد غیبی خدا ندارد.

در میان روایات مهدویت، روایات زمینه‌سازان ظهور، این خوانش درباره دوره انتظار و زمانه قیام و انقلاب مهدوی را تأیید می‌کنند. نقش آخرالزمانی گروهی به نام «موطنان» یا زمینه‌سازان ظهور که آماده‌کنندگان شرایط ظهور در زمین‌اند، در روایات شیعه و اهل سنت انعکاس یافته است. این زمینه‌سازان با توجه به ویژگی‌های مطرح‌شده برای آنان در روایات نمی‌توانند از دشمنان مهدویت یا غیرمنتظران ظهور باشند؛ به‌عنوان نمونه

در منابع اهل سنت به نقل از رسول خدا ﷺ آمده است: «ما خاندانی هستیم که خداوند آخرت را به جای دنیا برایمان برگزید. پس از من، خانواده‌ام گرفتار بلا و آوارگی و تبعید خواهند شد تا آن که مردمی از این جا - با دستش به مشرق اشاره کرد - با پرچم‌های سیاه قیام کنند که حق را طلب می‌کنند، اما به آنان نمی‌دهند؛ دوباره حق را می‌طلبند، اما باز به آنان نمی‌دهند؛ پس دست به جنگ و مقاومت می‌زنند تا آن که خواسته آنان را می‌دهند، اما ایشان نمی‌پذیرند تا آن را به مردی از خاندان من دهند که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند؛ همچنانکه آکنده از انحراف و بی‌عدالتی شده بود. هر کس این مردم را درک کند، حتی اگر شده با خریدن بر روی برف به آنان پیوندد» (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ج ۸، ص ۲۳۱؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۳۰؛ مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸۸).

مطالبه حق و واگذاری قدرت به مردی از خاندان رسالت که عدل گستر خواهد بود، گویای باورمندی این مردمان به مهدویت می‌باشد؛ همچنانکه مقاومت در مسیر حق خواهی جز با انتظار امکان‌پذیر نمی‌باشد.

برخی از محققان مهدویت گفته‌اند بسیاری از اهل سنت و شیعه این روایت را نقل کرده‌اند. روایات رایج سود (پرچم‌های سیاه) در اثر کثرت و استفاضه و قوت متن، نیازی به بررسی سندی ندارد؛ همان‌گونه که انگیزه بر جعل این روایت بسیار کم است، هر چند بنی‌عباس از این روایات سوءاستفاده‌هایی کرده‌اند؛ اما همین سوءاستفاده‌ها بیان‌گر آن است که این روایات پیش از زمینه سوءاستفاده موجود بوده است (طبری، ۱۳۸۹/۰۷/۱۷).

در منابع شیعه نیز از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «گویا می‌بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده‌اند و حق را می‌طلبند و به ایشان داده نمی‌شود؛ لکن از پای نمی‌نشینند؛ از این رو سلاح برمی‌گیرند و در نتیجه آنچه می‌خواستند به ایشان داده می‌شود، اما نمی‌پذیرند تا آنکه قیام می‌کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما (امام عصر علیه السلام) تحویل نمی‌دهند. کشته‌شدگان از آنان شهیدند. آگاه باشید که اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب این امر می‌کردم» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۳).

علاوه بر این روایات فراوانی درباره نقش مردمانی از یمن و سایر نقاط نیز وجود

دارد؛ به‌عنوان نمونه دربارهٔ پرچم‌های یمانی گفته شده که از پرچم‌های هدایت است و به سوی حق و صاحب الزمان عجل الله فرجه فرا می‌خواند (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶). امام صادق علیه السلام ذیل آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» (اسراء، ۵) می‌فرماید: «قوم یبعثهم الله قبل خروج القائم لا يدعون وتراً لآل محمد إلا حرقوه؛ گروهی هستند که خدای تعالی قبل از ظهور قائم برمی‌انگیزاند. آنان هیچ ستم‌کننده‌ای به خاندان محمد را رها نمی‌کنند، جز آن‌که او را از بین می‌برند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۸۱).<sup>۱</sup>

آیت‌الله صافی رحمته الله در این زمینه معتقدند: «از اینکه فاصله ما و جامعه ما با آن جامعه و رهبر عزیز آن زیاد شود که از او دور شویم، باید به شدت پرهیز کنیم» (صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۵). وی راهکار این مسئله را شناخت و ویژگی‌های ظهور و حکومت و چگونگی اداره و نظامی که در عالم برقرار می‌شود معرفی می‌کند و آن را راهنما، خط‌دهنده، بازدارنده از خطا و اخلاق ناپسند و تشویق‌کننده به کار نیک، عدالت، التزام و احترام به نظام‌های شرعی می‌داند (صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۷).

## ۶. ارکان انتظار پویا

با آنچه گذشت دانسته شد انتظار علاوه بر ساحت فردی، بعد اجتماعی نیز دارد؛ از این رو دارای پیوستگی باور و عمل در دو سطح فرد و اجتماع می‌باشد. ارکان و بنیان‌های تحقق انتظار فرج پویا را می‌توان این گونه بر شمرد:

### ۶-۱. نفی وضعیت موجود

گام نخست احساس وجود یک فروبستگی، گره و مشکل است. با وجود این درک، احتیاج به گره‌گشا پیدا می‌شود. از سوی دیگر منتظر تمام خیر و نیکی موجود را ناکافی و کم می‌داند و انتظار دارد تا ظرفیت نیکی عالم، کامل و پر شود؛ از این رو نفی وضعیت موجود یا همان مبارزه و جهاد از ارکان انتظار می‌باشد. روح انتظار به انسان تعلیم

۱. در برخی منابع «الاقتلوه» آمده است (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰۶).

می‌دهد که در راه خیر و صلاح مبارزه کند؛ نتیجه این مؤلفه، ترک هرگونه همراهی و هماهنگی با عوامل فساد و ستم است.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه با اشاره به اهداف اسلام و برشمردن آزاد کردن انسان‌ها، خاتمه‌دادن به شرک و بت‌پرستی و فساد، برچیدن بساط ظلم و استثمار، آزاد کردن و پاک‌سازی مغزها از خرافات و عقاید موهوم، برداشتن امتیازات پوچ و مادی، مبارزه با جهل و نادانی، تقسیم عدالت و امنیت، بهره‌برداری عموم از نعمت‌های الهی، برقراری احکام خدا، استقرار نظم، حفظ حقوق، فراهم کردن امکانات ترقی، تکامل علمی، روحی، فکری، جسمی، مادی و اقتصادی برای همه این پرسش را مطرح می‌کند که چرا چنین نشد و اسلام در نیمه راه متوقف شد؟ وی پاسخ این پرسش را در رأس جامعه اسلامی جستجو می‌کند و از استقرار حاکمان جاهل و استثمارگر و عیاش که مسیر واقعی اسلام را تغییر دادند به عنوان عامل اصلی سخن می‌گوید؛ حاکمانی که همان مظاهری که اسلام با آن مبارزه کرده بود را به اسم اسلام، به اسم خلافت اسلام، به اسم جهاد اسلام، به اسم عدالت اسلام، به اسم قانون اسلام و به اسم اتحاد اسلام دوباره زنده کردند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۴۱-۴۲). ایشان می‌نگارد: «غاصبان مقام رهبری اسلام به جاهلیت پیشین گراییده و همان اساس گذشته را که اسلام به آن مبارزه دارد، داغ‌تر و ظالمانه‌تر تجدید کردند. مطالعه سرگذشت دستگاه‌های جبار بنی‌امیه، بنی‌عباس، امویان اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و حاکمان مسلمان در هند، ماوراءالنهر، ایران، مصر، شام و نقاط دیگر آسیا، آفریقا و اروپا مسلط شدند نشان می‌دهد چه وضع ناامیدکننده‌ای پیش آمد و هدف‌های واقعی و اصولی اسلام از رسمیت افتاد و مطرح نبود» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۴۳-۴۵).

ایشان با توجه‌دادن به سوءاستفاده از این آموزه توسط دشمنان دین می‌نویسد: «انتظاری که دستاویز تبلیغات دشمنان اسلام علیه مسلمین شده است، از اسلام نبوده، بلکه عین رضایت به وضع موجود و امضای نابسامانی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها و مخالف با تحول و تکامل انقلاب اسلام است که این انتظار، انتظاری که در قرآن و در احادیث و روایات دستور داده شده نیست» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۳۳-۳۵).

آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه درباره چشم‌انداز نگاه به دوره ظهور بیان می‌دارد که مسلمان همواره به سوی آینده می‌نگرد و هر وضعی که موجود باشد، اگرچه به نسبت خوب و عادلانه باشد او را قانع نمی‌کند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۵۰). این بدین معنا است که مسلمانان با هموارساختن شرایط دوره ظهور، به آنچه در زمانه پیش از ظهور به دست می‌آید رضایت نمی‌دهند و نگاهی فراگیر به تحقق توحید و عدالت در سرتاسر کره خاکی دارند.

### ۶-۲. هم‌افزایی و اتحاد منتظران ظهور

گام دوم، فاصله گرفتن از نگاه فردی و دست‌یابی به نگاه کلان است. در انتظار مطلوب، بایسته است انسان سر در پیله خود نداشته باشد و تنها به زندگی خود دل خوش نباشد؛ از این رو انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد؛ نتیجه این مؤلفه کسب آمادگی در ابعاد گوناگون برای برقراری عدالت جهانی است.

آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه با اشاره به رنج مسلمانان در سراسر گیتی، داشتن روح امید در کنار اقدام جمعی را روزه‌های شکل‌گیری زمینه‌های ظهور می‌داند و بیان می‌کند: «مسئله‌ای که همواره مایه امید مسلمانان منتظر و هسته مرکزی انقلاب‌های علیه نظام‌های استثمارگر و اوضاع ظالمانه بوده و وعده الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۵۵). وی با مروری بر جنایات صورت گرفته علیه مستضعفان و ناامیدنشان ایشان برای جابه‌جایی صفحات تاریخ می‌افزاید: «با اینکه زورمندان و استضعاف گران مخالفان رژیم خود را می‌کوبند، به زندان می‌اندازند و در خاک و خون می‌کشند، باز هم استضعاف‌شدگان به پا می‌خیزند و مسیر تاریخ را عوض می‌کنند؛ باز هم سیاه‌پوست آمریکایی و آفریقایی قیام می‌کنند و فلسطینی‌های آواره و از خانه و وطن رانده شده می‌کوشند تا روزگار اسرائیل و رژیم فاسد نژادپرست صهیونیسم را سیاه نمایند و او را از اراضی مقدسه و سرزمین‌هایی که غصب کرده بیرون برانند» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۵۵-۵۶).

وی ریشه همه این مجاهدت‌ها و مبارزات را امید دانسته و می‌نویسد: «مسلمانان و به ویژه شیعیان در طول تاریخ با وجود همه مشکلات و مصائب و فشارها، به دلیل همین امید و همین اعتقاد سنگر مبارزه را رها نکرده و همواره به تلاش خود ادامه داده‌اند. کسانی که علیه متجاوزان و استثمارگران انقلاب می‌کنند، اگر فاقد تمام وسائل هم باشند، بهترین و نیرومندترین وسیله و اسلحه پیروزی آنان، این امید است که در جهت خواست و رضایت و وعده الهی قرار دارد و قطعاً در مبارزه نهایی پیروزی با آنهاست» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۵۷-۵۸). بر این اساس این اصل انتظار است که در مبارزه حق و باطل، صفوف طرفداران حق را فشرده‌تر و مقاوم‌تر می‌کند و آنها را به یاری خدا و فتح و پیروزی نوید می‌دهد.

ایشان انتظار را مکتب زنده و پوینده می‌داند و تصریح دارد: «انتظار، ضعف و سستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست و عذر کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد و سکوت و بی‌حرکتی و بی‌تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و یأس و ناامیدی را هرگز با آن نمی‌توان توجیه کرد. این انتظار، حرکت، نهضت، فداکاری، طرد انحراف و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۷۹).

### ۳-۶. مبارزه برای فراهم ساختن دوران ظهور

گام سوم، اعتماد و امید به آینده و مأیوس نبودن از چشم‌انداز روشن زندگی بشر و پایان ظلم و ستم است. این روح انتظار به انسان یاد می‌دهد در راه خیر و صلاح مبارزه کند؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنا ندارد و اگر اعتماد به آینده نباشد، انتظار بی‌معنا خواهد بود؛ به دیگر بیان قانع نشدن به وضع موجود و تلاش فزاینده و مستمر برای انجام اعمال نیک به همراه امید به آینده روشن و حاکمیت تفکر الهی بر سراسر زندگی بشر از ارکان انتظار است و از آنجا که انتظار فرج را بهترین اعمال دانسته‌اند، معلوم می‌شود که انتظار یک عمل است، نه بی‌عملی؛ از این رو انتظار حرکت است، نه سکون و رها کردن و نشستن برای این که کار به خودی خود صورت بگیرد.

آیت‌الله صافی رحمته‌الله با نگاهی واقع‌بینانه به طول تاریخ حوادث بشریت و نقش سنت‌های الهی<sup>۱</sup> در آن معتقد است اگرچه جهان و اوضاع آن در مسیر هواوهوس و آرزوهای زورمندان و طبقه حاکمه علیه ضعیفان و زیردستان است و اگرچه بسیاری از مردم جهان در نهایت فقر و پریشانی و محروم از حداقل زندگی یک انسان باشند، با این حال تاریخ بر مبنای سنت‌های الهی و وعده خدایی سرانجام به نقطه‌ای می‌رود که به نفع طبقه محروم و زیان طبقه غاصب و حاکم است و به سویی می‌رود که تمام رنگ‌ها و امتیازات پوچ شسته شود و از بین برود و برتری انسان‌ها فقط بر اساس تقوا باشد (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۵۷).

وی با برشمردن انتظار به‌عنوان عامل پایداری در برابر رهبری‌های فاسد تصریح می‌کند که یگانه یا مهم‌ترین عاملی که مسلمانان را در برابر این وضع نگاه داشت و آنها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه‌های اسلامی شجاع و دلیر کرد، وعده‌های قرآن و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که این دین از بین نمی‌رود و آینده برای اسلام است؛ اسلام عالم‌گیر و پرچم حکومت توحید و حق و عدل در سراسر جهان به اهتزاز در خواهد آمد. این وعده‌ها که واقعیت آن را حقایق مسلم دینی و تاریخ صددرصد ثابت کرده است، همواره به مسلمانان نوید می‌داد که روزگار اسلام به پایان نمی‌رسد و باید در انتظار آینده بود و عقب‌نشینی نکرد؛ از مرزها و سنگرها حمایت و حافظت کرد تا آن عصر طلایی و دوران حکومت مطلقه حق و عدالت فرا رسد. همین نگاه بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی‌امیه، جنگ‌های صلیبی، هجوم چنگیز و بالأخره استعمار قرن اخیر، پایدار و شکستناک داشت و سرانجام مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۴۸-۵۰).

بر اساس گام‌های سه‌گانه گفته‌شده، انتظار فرج آن‌گاه معنا می‌یابد که مؤمن وضعیت دنیای واقعی را عقده و گره در زندگی بشر بشناسد. نظم بشری غیر عادلانه‌ای

۱. همانند داستان استعلا و گردن‌کشی فرعون در سوره قصص و سنت الهی در این زمینه و با داستان خطبه حضرت زینب رضی‌الله‌علیها در کاخ یزید (نک: صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۶۳-۶۴).

که در آن انسان‌های بی‌شماری مظلوم واقع می‌شوند و دل‌های بی‌شماری گمراه می‌گردند و انسان‌های بسیاری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمی‌کنند، مورد قبول منتظر ظهور نیست. او وضعیتی را که بر اثر جهالت انسان‌ها و اغراض بشر بر جهان حاکم شده رد می‌کند و با اعتماد و اطمینان به آمدن عدالت گسترتری که این فضا را دگرگون کند، شکسته‌شدن غلبهٔ ظلم و جور و حاکمیت عدالت را انتظار می‌کشد. این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا تحقق پیدا خواهد کرد و این نیاز همیشگی انسان زنده و آگاه است و می‌طلبد تا برای آن شرایط مجاهدت شود؛ نتیجهٔ چنین نگاهی امید به آیندهٔ روشن و حرکت با شوق و امید است.

نبود هر یک از ارکان سه‌گانهٔ انتظار مطلوب، آن را به حالت نادرست و نامطلوب سوق می‌دهد؛ از این رو انتظار مطلوب با نشستن، دست به کاری نزدن، هیچ اصلاحی را و جهت همت خود نکردن و فقط دل خوش کردن سازگار نیست. انتظار فرج لزوماً به ظهور امام عصر عجل الله فرجه منتهی نمی‌شود، بلکه راهبردی کلان برای خروج از بن‌بست‌ها و مشکلات عصر غیبت است؛ از این رو در روایات آمده است: «انْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْأَعْظَمِ» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۰). بر همین اساس می‌توان انتظار را مقوله‌ای دارای مراتب و مشکک دانست که با تلقی و رفتار فردی آغاز می‌شود و پس از تکثیر و جمعی شدن و تحقق گام‌های پیش‌گفته، زمینهٔ فراگیری و گسترش جغرافیایی و سپس جهانی شدن بستر تحقق حکومت جهانی مهدوی را فراهم می‌سازد.

آیت‌الله صافی رحمته الله علیه باور دارد اگر چه دنیای مادی امروز از اهداف عالی انسانی و حقیقت و فضیلت دور شده و طغیان و ظلم و بیدادگری با جلوه‌های نو در جهان رایج شده و هر چند الفاظ و کلمات صلح، عدالت، آزادی، مساوات و بشردوستی در معانی دیگر یا برای مقاصد دیگر به کار برده می‌شوند، اما این توحش تا هر کجا برود، چون خلاف خواست‌های واقعی بشر و سیر کمالی او و خلاف عقیده و آرمان او است، پیروز نمی‌شود و سرانجام به شدیدترین وضعی سرکوب و ریشه‌کن خواهد شد؛ چراکه این اصل انتظار مانند یک قوهٔ مبقیه و عامل بقا و پایداری، طرفداران حق و عدالت را در برابر تمام دستگاه‌های فشار، جهل، شرک و فسادانگیز پایدار نگاه



می‌دارد و بر امید و مقاومت‌ها می‌افزاید و شور و نشاط در انجام وظایف ایجاد می‌کند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۷۰-۸۰).

## نتیجه‌گیری

از نگاه آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه:

۱. فلسفه انتظار در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز موجودیت آنان بوده است.
۲. انتظار مصلح آخرالزمان، علاوه بر ریشه‌های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی‌ترین فلسفه اجتماعی است.
۳. انتظار به مفهوم ضعف و مسامحه در انجام وظایف تعریف نمی‌شود و بهانه‌طلبی برای ترک مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد.
۴. حرکت و انتظار در کنار یکدیگرند و سکوت، بی‌تفاوتی و تسلیم‌شدن در برابر وضع موجود و ناامیدی را نمی‌توان با آموزه انتظار توجیه کرد.
۵. انتظار یکی از پایه‌های مهم و زنده مبارزه علیه فساد در جامعه اسلام بوده و این آموزه سرچشمه مقاومت و منبع تحرک و مبارزه اهل حق با اهل باطل می‌باشد.
۶. عقیده به ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه، شیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صدمات و لطمات پرورش داد و جامعه شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت و عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست.
۷. فلسفه غیبت حجت الهی را می‌توان در شکل‌گیری این مقاومت، حرکت و تربیت در سطح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادها جستجو کرد.

## کتابنامه

\* قرآن کریم

\*\* نهج البلاغه

۱. آصفی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). انتظار پویا (مترجم: تقی متقی). قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۲. ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال. (۱۴۲۰ق). الزهد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰ق). صحیح البخاری (ج ۱۱). قاهره: وزارة الاوقاف.
۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۳۵ق). المستدرک علی الصحیحین (ج ۸). بیروت: دار التناصیل.
۵. رحیم پور ازغدی، حسن. (۱۳۹۷). مهدی ده انقلاب در یک انقلاب. تهران: سروش.
۶. سبحانی نیا، محمد. (۱۳۹۶). مهدویت و آرامش روان. قم: انتشارات کتاب جمکران.
۷. شاکر، محمد تقی. (۱۴۰۱ق). انتظار فرج. قم: زمزم هدایت.
۸. شاهرخی، حامد؛ عباسی، ابراهیم. (۱۳۹۹). نظریه انتظار. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة (ج ۷). بیروت: عالم الکتاب.
۱۰. صافی، لطف الله. (۱۳۹۰). پاسخ به ده پرسش پیرامون امامت، خصائص و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۱۱. صافی، لطف الله. (۱۳۹۲ «الف»). انتظار عامل مقاومت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۱۲. صافی، لطف الله. (۱۳۹۲ «ب»). به سوی دولت کریمه. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.

۱۳. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ج). گفتمان مهدویت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۴. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ج). نظام امامت و رهبری. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۵. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). اصالت مهدویت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام النعمة (ج ۱، ۲). تهران: اسلامیه.
۱۷. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۱۵ق). المعجم الاوسط (ج ۶، ۹). قاهره: دارالحرمین.
۱۸. طبسی، نجم‌الدین. (۱۳۸۹/۷/۱۷). برگرفته از سایت مدرسه فقاهت به آدرس: B2n.ir/s38928
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی (ج ۲). تهران: المطبعة العلمیه.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۶). قم: الهادی.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مبارکفوری أبو العلا، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم. (بی تا). تحفة الأحمودی بشرح جامع الترمذی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۳. مروزی، أبی عبد الله نعیم بن حماد. (۱۴۱۴ق). کتاب الفتن (ج ۱). بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). یادداشت‌های استاد مطهری (ج ۹). تهران: صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار (ج ۱۸). تهران: صدرا.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷). الغیبة. تهران: صدوق.
۲۷. هلالی، سلیم بن سلیم. (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس هلالی (ج ۲). قم: الهادی.

## References

\* The Holy Quran

1. Ahmad bin Hanbal (1420 AH). *Al-Zuhd*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiya. [In Arabic]
2. Asefi, M. M. (1389 AP). *Dynamic Waiting* (T. Motaqi, Trans.). Qom: Hazrat Mahdi Mououd Cultural Foundation. [In Persian]
3. Ayashi, M. (1380 AP). *Tafsir Al-Ayashi* (Vol. 2). Tehran: Al-Matb'ah Al-Ilmiya. [In Persian]
4. Bukhari, M. (1410 AP). *Sahih al-Bukhari* (Vol. 11). Cairo: Wizarah al-Awqaf. [In Persian]
5. Farahidi, K. (1409 AH). *Kitab Al-Ain* (Vol. 6). Qom: Al-Hadi. [In Persian]
6. Hakem Neishaburi, M. (1435 AH). *Al-Mustadrak ala al-Sahihayn* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Taseel. [In Arabic]
7. Helali, S. (1405 AH). *Kitab Salim bin Qais Helali* (Vol. 2). Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
8. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 8). Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In Arabic]
9. Marwazi, A. (1414 AH). *Kitab al-Fitan* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fikr le Tab'ah va al-Nashr va al-Tawzi'. [In Arabic]
10. Motahari, M. (1378 AP). *Professor Motahari's notes* (Vol. 9). Tehran: Sadra. [In Persian]
11. Motahari, M. (1389 AP). *Collection of works* (Vol. 18). Tehran: Sadra. [In Persian]
12. Mubarakfoury Abu Al-Ala, M. (n.d.). *Tuhfah al-Ahuzi be Sharh Jame al-Tirmidhi*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
13. Nu'mani, M. (1397 AP). *Al-Ghaibah*. Tehran, Sadouq. [In Persian]
14. Rahimpour Azghadi. (1397 AP). *Hassan, Mahdi, ten revolutions in one revolution*. Tehran: Soroush. [In Persian]
15. Sadouq, M. (1395 AP). *Kamal al-Din va Tamam Al-Na'amah* (Vols. 1, 2). Tehran: Islamiah. [In Persian]

16. Safi, L. (1393 AP). *Originality of Mahdavit*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
17. Safi, L. (1390 AP). *Answers to ten questions about the Imamate, characteristics and attributes of Hazrat Mahdi*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
18. Safi, L. (1392 AP). *Mahdavit Discourse*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
19. Safi, L. (1392 AP). *System of Imamate and Leadership*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
20. Safi, L. (1392 AP). *Towards Karimeh government*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
21. Safi, L. (1392 AP). *Waiting for the resistance factor*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
22. Sahib bin Ibad, I. (1414 AH). *Al-Muhit fi al-Lugha* (Vol. 7). Beirut: Alam al-Kitab. [In Arabic]
23. Shahrokhi, H., & Abbasi, E. (1399 AP). *Theory of Waiting*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
24. Shaker, M. T. (1401 AP). *Waiting for Faraj*. Qom: Zamzam Hedayat. [In Persian]
25. Sobhaninia, M. (1396 AP). *Mahdism and mental peace*. Qom: Jamkaran Book Publications. [In Persian]
26. Tabarani, S. (1415 AP). *Al-Mu'jam al-Awsat* (Vols. 6, 9). Cairo: Dar al-Haramain.
27. Tabasi, N. (1389/7/17 AP). From: B2n.ir/s38928. [In Persian]